

پیشرفت‌های اجتماعی به عنوان ابزار قدرت نرم و چالش‌های آن در جمهوری اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)

محمود شرفی^۱

فروزان رضائی ورمزیار^۲

چکیده:

پیشرفت‌های اجتماعی و به موازات آن چالش‌های پیش‌رو در جمهوری اسلامی همواره در طی این سالها نکته‌ای بوده که مد نظر امامین انقلاب قرار گرفته است، به لحاظ اهمیت موضوع در مقاله حاضر با هدف استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیشرفت اجتماعی به عنوان ابزار قدرت نرم و در ادامه با ترسیم چالش‌های آن در بُعد اجتماعی با تکیه به اندیشه امنیتی امام خمینی (ره) انجام گرفته است. به همین منظور مسئله اصلی این تحقیق شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام (ره) است؛ زیرا با شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) و پیشرفت‌ها و چالش‌های آن می‌توان درگاه بعدی به نظریه‌های در ابعاد مختلف آن دست‌یافت و در عمل از آن‌ها استفاده کرد. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی است که برای تحلیل یافته‌ها از فن تحلیل محتوا استفاده شده است. در حوزه یافته‌های تحقیق با بررسی و ارکان اجتماعی اندیشه امام خمینی (ره) که عبارتند از حکومت اسلامی، مردم و دولت‌مردان پیشرفت‌های این حوزه تبیین گردید و چالش‌ها و ضعف‌ها هم بیان شد و در نهایت نتیجه‌گیری که مبتنی بر یافته‌های تحقیق انجام و یک مدل مفهومی در حوزه بُعد اجتماعی اندیشه امام خمینی (ره) ترسیم و تشریح گردید.

واژگان کلیدی: پیشرفت اجتماعی، قدرت نرم، چالش، اندیشه، امام خمینی (ره).

۱. دانش آموخته رشته مدیریت فرهنگی دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
shaker6047@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

مقدمه

بدون تردید امام خمینی (س) را باید در زمره اندیشه‌ورزان دینی و مصلحان اجتماعی تلقی کرد که اندیشه‌های اجتماعی ایشان از منظر علوم اجتماعی از جامعیت خاصی در سطوح نظری و عملی جامعه برخوردار است. این مسئله نه فقط به دلیل جایگاه علمی، بلکه به جایگاه اجتماعی و پیروی آحاد مردم در جامعه از ایشان و تأثیر شگرفی که در تحولات دنیای جدید داشته و دارند نیز مرتبط است. رهبری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بخش‌هایی از ژرف‌نگری امام (ره) را عینیت بخشیدند، اما همه آنچه از ایشان ظهور کرد، تمام ایده و ظرفیت حضرتش نبود و آنچه نیز در خارج تحقق پیدا کرد، از نظر تحلیل مبانی و خاستگاه اندیشگی ایشان، کاملاً روشن و درک نشده است.

به نظر می‌رسد موضوع پیشرفت در عرصه مقابله با شیوه‌های نفوذ دشمن در اجتماع مانند تبلیغات سیاسی، تهاجم فرهنگی، تخریب شخصیت‌های مؤثر انقلاب، به شهادت رساندن مسئولان و مردم عادی در کوچه و خیابان و دلسرد کردن مردم به وسیله تهاجم خبری و جریان یک‌سویه رسانه‌های غربی و حتی تهاجم گسترده نظامی و تحمیل هشت سال جنگ علیه انقلاب اسلامی، همچون سایر مفاهیم و موضوعات دیگر اجزایی از یک مجموعه فکری قاعده‌مند و منسجم هستند که بر محور تعالیم اسلامی و از نوع نگاه امام (س) به جامعه و مردم شکل می‌گیرند. تا نگاه کلان امام (س) یا مبانی فکری و فرائضی ایشان در طول نهضت اسلامی و شیوه‌های رهبری امام (ره) در جامعه، ترسیم شود.

علاوه به این، هشدارهای ایشان برای تقویت روحیه جمعی چه در عرصه نظامی و چه در عرصه اجتماعات، فرهنگ و رسانه که نوع استفاده امام از رسانه‌ها و هدایت جامعه در برابر دستگاه‌های سرکوبگر نظامی طاغوت و رسانه‌های رسمی شاه مانند رادیو و تلویزیون نیز تجربه‌های تازه و موثری را پیش روی انقلابین به نمایش گذاشت. مدیریت و رهبری حضرت امام در استفاده از رسانه‌های کوچک مانند نوارهای کاست در برابر رادیو-تلویزیون مقتدر شاهنشاهی و سپس هدایت و رهبری ایشان برای اصلاح مطبوعات و یدا و سیمای پس از انقلاب و همچنین برخوردهای آن حضرت با تبلیغات و سخن‌پراکنی‌های رسانه‌های غربی در جهات پیشبرد اهداف انقلاب در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه حفظ امنیت و دفاع از حدود و ثغور جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. به همین منظور مسئله اصلی این تحقیق شناخت اندیشه‌های اجتماعی

حضرت امام (ره) است؛ زیرا با شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) و پیشرفت‌ها و چالش‌های آن می‌توان درگاه بعدی به نظریه‌های در ابعاد مختلف آن دست‌یافت و در عمل از آن‌ها استفاده کرد.

مبانی نظری:

جامعه‌دراندیشه امام (ره)

امام خمینی (ره) برخلاف نحل‌های مارکسیستی و سوسیالیستی که انسان را اسیر جبر تاریخ و جامعه می‌دانند و نیز برخلاف مکاتب لیبرالی که غریز طبیعی انسان را محور و بشر را اسیر خواست نفسانی می‌پندارند، جامعه را در طول نظام هستی توحیدی تفسیر نموده و تمام مفاهیم، نقش‌ها و ساختارهای جامعه‌شناسی سیاسی را با گزاره‌های دینی بازتولید می‌کند. (مقیمی، ۱۳۸۸: ۴۷) ایشان معتقد است که «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است». (صحیفه امام ج ۵: ص ۴۱۰ و ۳۸۹)، امام با توجه به جهان‌بینی الهی خودش معیار و قوانین حاکم بر روابط جامعه را دستورالعمل‌های انبیای الهی می‌داند: «ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر، تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است» (صحیفه امام ج ۵: ۳۸۸).

بنابراین، جامعه‌شناسی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در یک نظام منسجم، جامع و در طول هستی‌شناسی ایشان قابل تفسیر است. از آن‌رو که در هستی‌شناسی امام انبیاء و معصومان علیهم‌السلام فرستادگان خداوند برای هدایت فرد و جامعه هستند، تدبیر سیاسی جامعه نیز در انحصار آنان است؛ چون: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند. به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند.» (صحیفه امام، ۱۳: ۴۳۳)

برخلاف دیدگاه انسان تک‌ساحتی در مکاتب رایج در جوامع غربی و مادی‌گرا؛ امام خمینی (س) جامعه را همانند انسان دوبعدی می‌داند: یکی، بعد مادی، ساختاری، نهادی و

شکلی است که بیان‌کننده پیکره جسمانی و مکانیکی آن است و دومی، بعد روحانی، معنوی، عاطفی و ایمانی است که بیان‌کننده جنبه ارگانیکی جامعه می‌باشد و البته آنچه جامعه را هویت و معنا می‌بخشد بعد دوم وجودی جامعه است که مبتنی بر فرد است: «در دنیای امروز که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، درحالی‌که جامعه از انسان‌ها تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است والسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند». (صحیفه امام، ج ۵: ۴۱۰) بدین‌سان، اندیشه سیاسی امام روح‌الله (س) سیستمی و منظومه‌ای است که میان عقل نهادی و عقل ایمانی ارتباط منطقی و اندام‌واری ایجاد کرده و تعادل و تعامل منطقی آن‌دورا در گزاره‌های اسلامی جست‌وجو می‌کند. امام خمینی (ره) بر اساس دیدگاه منظومه‌ای خود، جامعه را همانند انسانی توصیف می‌کند که دارای عناصر و اعضای جسمی و روحی متعدد می‌باشد که باید با تربیت الهی، بین اجزا و عناصر آن تعادل ایجاد شود. در واقع امام خمینی به مکتب و نظریه کارکردگرایی و ساختار در جامعه عنایت دارند؛ زیرا ایشان معتقدند که جامعه از اجزای انسانی تشکیل می‌شود و این اجزاء از یک ساختار برخوردارند. همان‌گونه که غایت انسان‌شناسی امام (ره) انسان کامل است، غایت جامعه‌شناسی وی جامعه فاضله و کامله توحیدی است. امام (س) جامعه توحیدی را به تصویر کشید که تداعی‌کننده بعد اجتماعی یا به عبارتی، بازتولید جامعه‌شناسی اصل فلسفی، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت باشد. در واقع، امام (ره) این نظریه را در پاسخ به نظریه جامعه بی‌طبقه توحیدی جریان‌های التقاطی، مطرح و بازتعریف نموده است. (توحیدی، ۶۹: ۱۳۷۸) بنابراین، مفاهیم کلیدی جامعه توحیدی از منظر امام (س) اصل وحدت در عین کثرت، تقسیم‌کار بین اجزاء و عناصر، سلسله مراتبی و ارگانیک بودن عناصر آن، مقصد و غایت الهی داشتن و ... می‌باشند که تحت کلمه توحید به توحید کلمه می‌رسند. («... جامعه توحیدی عبارت از جامعه‌ای است که با حفظ همه مراتب، یک نظر داشته باشند، کانه یک موجودند...»)، «همه با حفظ مراتبشان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی؛ کانه همان‌طوری که یک جامعه توحیدی در خون بدن انسان است. انسان به منزله جامعه توحیدی است؛ چشم، گوش، دست، این‌ها؛ اما هم فرمانفرما دارد، هم فرمان‌بردار. مغز فرمان می‌دهد، دست فرمان می‌برد،

اما همه یک‌راه دارند، همه برای این است که این کشور فردی (انسان) را اداره کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۴۶۹)

امام خمینی (س) ضمن قبول ناسیونالیسم و ملیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، آن‌ها را به‌عنوان کثراتی می‌بیند که باید در ذیل مفهوم توحید به وحدت برسند. «اسلام درعین‌حالی که وطن را آنجایی که زادگاه است احترام می‌گذارد، لکن مقابل اسلام قرار نمی‌دهد. اساس اسلام است.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۶۸).

ارکان پیشرفت‌های اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

اندیشه اجتماعی حضرت امام ابعاد گوناگونی دارد و محققان نیز به برخی از این ابعاد توجه کرده‌اند که ما نیز بدان‌ها خواهیم پرداخت.

جامعه اسلامی

امام خمینی (ره) برخلاف جامعه‌شناسان غربی در اندیشه اجتماعی خود، مردم را در جامعه اسلامی در قالب «امت» دارای هویت اجتماعی می‌دانستند: اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را باهم متحد کند و یک امت بزرگ به نام «امت اسلام» در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولت‌های اسلامی و مراکز پیدا نکنند، نتوانند؛ به‌واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه [دارند]. (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۴۳ - ۴۴۴).

آنچه مفهوم امت را از دیگر مفاهیمی چون: ملت، قبیله، قوم، شعب، طبقه، اجتماع، نژادفتوده، گروه، حزب، ایل و عشیره متمایز می‌کند.

حضرت امام در بررسی و بحث پیرامون ولایت فقیه (از موضوعاتی که در درس فقه حوزه علمیه مورد بحث واقع شد) در ماهیت و کیفیت قوانین به سه شاخص مهم در شکل‌گیری حکومت اسلامی اشاره می‌کنند:

۱. احکام مالی، مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته‌نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری یک دولت است. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۲۹).

۲. احکام دفاع ملی، در این زمینه هم امام معتقدند برای حفظ نظام اسلام دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام، تشکیل حکومت الزامی است. ایشان می‌فرمایند: «مثلا این حکم: «واعدولهم استطعتم من قوه ومن رباط الخیل» که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است، و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۳۳).

۳. احکام احقاق حقوق و احکام جزایی؛ سومین شاخص شکل‌گیری حکومت اسلامی تصویب قوانین اسلامی در جامعه و عمل بدان هاست. امام خمینی می‌فرمایند: «بسیاری از احکام از قبیل دیات که باید گرفته و به صاحبش داده شود، یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت است و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم بر نمی‌آید» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۳۴).

مردم

هر جامعه‌ای متشکل از مردمی است که در آن زندگی می‌کنند. حضرت امام برای آماده کردن مردم و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های سلام و شکل‌گیری نهضت و انقلاب اسلامی دواصل مه را در نظر گرفتند اول افزایش آگاهی و بصیرت مردم نسبت به ظلم‌ها و هنجارشکنی‌های دولت طاغوت و دوم تجمیع مردم در تشکل‌های مذهبی، این اندیشه به انسجام مردم در قالب هیات‌های عزاداری و مجالس قرآنی کمک فراوان کرد. حضرت اما خمینی (ره) برای انجام تغییر در حکومت طاغوت با توکل به الطاف الهی قدرت اصلی جامعه را مردم می‌دانستند و در برابر رژیم تا دندان مسلح شاهنشاهی، به صحنه آمدن عموم مردم در جامعه راطراحی و رهبری کردند.

تقسیم بندی ارزشی

مهمترین تقسیم بندی که در آثار امام مشاهده می‌گردد تقسیم بندی ارزشی است بدین معنا که امام جامعه را به دو دسته مستضعف و مستکبر تقسیم می‌کند. مستکبرین در دیدگاه امام کسانی هستند که به نحوی خواهان ایجاد سلطه مادی، اقتصادی،

فرهنگی و یا سیاسی بوده و به بهره‌کشی از اقشار محروم جامعه می‌پردازند و این تنها دسته‌ای می‌باشد که امام آنها را از مردم مستثنی می‌کند و در قطب مخالف و دشمن قرار می‌دهد. در دیدگاه امام «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند.» (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۸۸)

تقسیم‌بندی کاربردی مردم در نگاه امام

دانسته شد که در اندیشه امام خمینی (ره) جامعه متشکل از مردم محرومی است که باید به آنها در گرفتن حقیقتان کمک کرد و تقسیم‌بندی را اعم از ملیت، مذهب و... برای این قشر مستضعف قائل نبود؛ اما برای آنکه تمامی مردم را به این خودآگاهی و وحدت برساند که باید برای گرفتن حق خود قیام کنند و با توجه به حرفه و تخصص و یا جنسیت خود جایگاه و نقش خود را در نهضت بیابند جامعه را براساس کارکردشان به اقشار مختلف تقسیم‌بندی کرده و با هر قشر خاص به زبان خودش صحبت می‌نمود تا همگی اقشار جامعه راه چگونه سهیم شدن خود را در انقلاب بیابند. این بینش امام موجب می‌شد که اقشار مختلف جامعه جایگاه جدیدی در پیروزی و پیشبرد اهداف انقلاب برای خود یافته و در نتیجه برای تحقق آرمانهای انقلاب تمامی سعی و تلاش خود را بنمایند.

امام و ارزشمندی کارگران و کشاورزان

از نظر امام اساس استقلال جامعه کارگران و کشاورزان هستند که نیروی کاری و تولیدکننده نیازهای جامعه‌اند. امام گرچه از کارگران و کشاورزان بعنوان گروه مولد اصلی در جامعه با احترام و قدردانی یاد می‌کند و آنها را ولی نعمت جامعه می‌داند ولی در عین حال و برخلاف تز مارکسیست‌ها حاکمیت بر جامعه را تنها حق آنها ندانسته و در سخنانشان به نقش کارگران این چنین اشاره می‌کنند:

«کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشورند. همانطور که سرحدات را قوای مسلح نگهداری می‌کنند شما متن کشور را از وابستگی حفظ می‌کنید آنها مجاهد فی سبیل الله هستند و شما هم مجاهد فی سبیل الله هستید.» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۳۲۹).

بازاریان و تجار در اندیشه امام

برخلاف مارکسیست‌ها که به این طبقه از جامعه با بدبینی نگاه کرده آنها را بعنوان بورژواهای کمپرادور نفی می‌کنند. امام تنها بازاریانی را نفی می‌کند که وابسته به همان طبقه مستکبرین هستند و همه جا بازاریان مؤمن و متعهد را یاور انقلاب معرفی کرده و در جهت تهذیب نفس و درست کاری آن‌ها می‌فرماید:

«تجار و کسبه کسب صحیح کنند، گرانفروشی نکنند، از قراری که گفته می‌شود اشخاصی خیلی گرانفروشی و بی‌انصافی می‌کنند می‌دانند اینها که ملت ما الان بسیاری از آنها ضعیف هستند بسیاری از آنها در این قضایا ضرر بردند بسیاری از آنها از پا درآمدند. اگر بنا باشد که کاسبها باز گرانفروشی راه بیندازند و بی‌انصافی بکنند ممکن است که این‌ها صدمه بخورند من خواهش می‌کنم از تمام اقشار ملت که انصاف را نصب العین خودشان قرار بدهند رضای خدا را نصب العین خودشان قرار بدهند» (سخنرانی امام در جمع پاسداران و اقشار مختلف مردم ۵۷/۱۲/۲۸).

زنان

امام خمینی (ره) زنان را که نیمی از جامعه را تشکیل داده و تا این زمان در جوامع اسلامی به آنها کم توجهی شده و از آنها انتظاری جز خانه داری و بچه داری نمی‌رفت به ناگهان به میدان کشاند و به آنها شخصیتی مضاعف داد. امام برای زنان دو رسالت اجتماعی قائل شد، اول آنکه خود بعنوان نیمی از نیروی خلاق جامعه وارد میدان مبارزه گردیده و دوش به دوش مردان در تظاهرات، اعتصابات و هم‌فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند و علاوه بر آن بعنوان نیروی محرکه مردان در ترغیب و تشویق شوهران و فرزندان و برادران خود نقش فعالی داشته باشند و بدینسان ملاحظه می‌گردد که چه احترام فوق‌العاده‌ای برای مادران و همسران شهدا قائل است. بدین گونه است که امام نه تنها حقوق زنان را احیا می‌کند بلکه آن‌ها را در جایگاه اصلی خودشان، یعنی سازندگان جامعه، معرفی می‌فرماید. قشر دیگری که امام بدان‌ها توجه دارد، قشر دانشگاهی و روحانی است:

امام‌ونیروهای مسلح

امام‌افرادنظامی را جزوی از جامعه می‌دانستند که می‌بایست با ترک حکومت طاعت به دامان جامعه برگردند و استقلال خود را حفظ کنند. از این رو استقلال نیروهای مسلح را باید یکی از مولفه‌های مهم دفاع در جامعه اسلامی دانست زیرا وابستگی نظامیان به گروه‌ها و دسته‌های سیاسی باعث کاهش قدرت نظامی و دفاعی آن‌ها خواهد شد:

«و من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و یک تشکر از یکی از ارکان ارتش یک قشرهایی از ارتش؛ اما نصیحتی که می‌کنم این است که می‌خواهیم شما مستقل باشید...» (صحیفه امام، جلد ۶: ۱۷)

در اندیشه امام استقلال ارتشی‌ها زمانی محقق می‌شود که به وظایف دولتی ایشان که همان وظایف دفاع از جامعه اسلامی است؛ عمل کنند:

«اگر چنانچه ارتش، دولت، به وظایف ارتشی خودشان، به وظایف دولتی خودشان، به وظایف اسلامی عمل کنند محیط در یک کشور محیط محبت می‌شود، محیط آرامش روحی می‌شود و این هم برای ملت مفید است و هم برای دولت و هم برای ارتش.» (صحیفه امام، جلد ۸: ۸۶)

حکومت و دولت‌مردان

در اندیشه امام، حکومت اسلامی صرف نظر از تفاوت‌های ظاهری در هدف‌ها و آرمان‌ها، از نظر تشکیلات و ارکان نیز تفاوت‌های اساسی با نظام‌های سیاسی معاصر دارد در این نظریه اکثریت تنها بر مدار حق، مشروعیت می‌یابد و به تبع آن وجوب اعمال ولایت منوط به فراهم بودن شرایط آن و از آن جمله پذیرش عمومی مردم است که در جریان انتخاب طبیعی مستقیم و یا از طریق انتخاب خبرگان منتخب ملت جلوه‌گر می‌شود؛ بنابراین پیوند رهبری با مردم به طور طبیعی، پیوندی اعتقادی بنیادی و عمیق است و به همین سبب بود که امام یکی از مردمی‌ترین نوع حکومتها را پایه ریزی و رهبری کرد. در این حکومت برخلاف همه نظام‌های سیاسی موجود جهان مردم پس از تعیین رهبری و برگزاری انتخابات از خود سلب مسئولیت نکرده و به خود و انهاده نمی‌شوند بلکه حضور آنان در صحنه اداره جامعه اسلامی و مشارکت در سرنوشت نظام اسلامی بعنوان یک تکلیف شرعی تضمین می‌شود.

از نظر امام حکومت اسلامی پایه اش بر عشق و اعتماد متقابل مردم و رهبری صالح و عادل است. این گونه نیست که فقیهی حکومت اسلامی را به سمت دیکتاتوری هدایت کند و مردم را

نادیده بگیرد و لذا می فرمود: «اگر فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند از ولایت می افتد». (صحیفه امام، جلد ۹، سخنرانی امام در جمع انجمن اسلامی به تاریخ ۵۸/۶/۳۰)

در مخالفت با دیکتاتوری و حذف مردم از صحنه، امام معتقد بودند:

«رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلامی بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای ناخواسته به غرور و بزرگ اندیشی وادارد». (صحیفه امام، جلد ۱۸، صفحه؟)

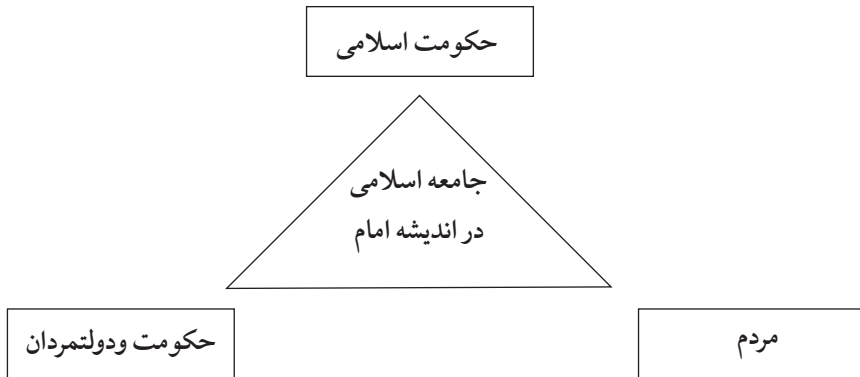
در نفی دیکتاتوری، امام خطاب به دولت هایی که خود را فرمانفرما و برتر از مردم می دانستند می فرمودند:

«دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است باید خدمتگزار ملت باشد». (صحیفه امام، جلد ۶: ۴۶۳) بحث دیگری که امام در مورد مردم و رابطه اشان با حکومت مطرح می کردند حضور مردم در صحنه و مشارکت در امور جامعه بود:

«آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان. خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می باشد» (صحیفه امام، جلد ۴: ۲۴۸).

مردم و حضورشان مایه و بنیان قدرت است. تفاوت این نظریه در باب حکومت و امنیت ملی و اجتماعی با نظریه ای که در دمکراتیک ترین نظامهای سیاسی، دولت و حکومت را تنها در پهنه «قدرت» و ابزار و لوازم آن تعریف می کند و بر همین مبنا مهم ترین رکن امنیت اجتماعی را در قوه قهریه می داند، آشکار است. از نظر امام قدرت از مردم سرچشمه می گیرد و هر قدرتی باید واجد پایگاه ملی باشد: «یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد این قدرت نمی تواند بایستد». (صحیفه امام، جلد ۷: ۵۱۱)

از تقسیم بندی حضرت امام، در همین مختصر می توانیم به نقش و اهمیت مردم در جامعه اسلامی پی ببریم. امام برای تنظیم امور و نظم در جامعه در مقاطع مختلف و بر حسن نیاز دستور ایجاد یک نهاد مردمی را می دادند و مردم نیز برای بالا بردن قدرت دفاعی جامعه تحت رهبری امام در نهادهای تازه تاسیس حضور می یافتند. نهادسازی از جمله راهبردهای دفاعی امام در ابعاد اجتماعی است که باید بدان توجهی خاص ابراز داشت.



پیشرفت‌های اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) آزادی

از نظر حضرت امام (ره)، آزادی برای افراد جامعه بسیار مفید است. شخص آزاد می‌تواند به درجات بالایی از انسانیت نایل آید. اجتماع آزاد دارای پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اخلاقی بیشتری است تا اجتماعی، که هرگونه عمل فرد از طرف حکومت کنترل می‌شود. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است. پیامبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم. بلی، ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضای متواضعانه، تقاضاهایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند. (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۴)

وجود آزادی‌های سازنده

همگی (مردم) اعلام کرده‌اند که خواستار استقرار جمهوری اسلامی هستند که متکی بر آراء ملت باشد و با معیارها و قواعد اسلامی تکوین یابد و عمل کند و اینچنین حکومتی جز با دادن بیشترین آزادی‌های سازنده اخلاق، امکان‌پذیر نیست. (همان، ج ۴: ۱۶۴)

آزادی انتخاب

احدی در سرتاسر ایران الزام نکرده است کسی را که به این رأی بده یا به آن رأی بده. الزام به رأی دادن هم نکرده است، لکن تکلیف شرعی گفته است. (همان، ج ۱۷: ۲۷۱)

آزادی انتقاد

اگر - خدای نخواستہ یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی؟ (همان، ج ۷: ۳۶)

آزادی احزاب

هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم، در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزادند و اسلام در تمام این شئون حدّ و مرز آن را تعیین کرده است. (همان، ج ۲: ۲۸۰)

حضرت امام آزادی را در جامعه اسلامی محدود به قانون می‌دانستند.

آزادی زنان

یکی از مقوله‌هایی که حضرت امام درباره آن، فرمایش‌های خودشان را به طور صریح و شفاف بیان کرده‌اند آزادی زنان است. «آزادی زنان» به معنای رهایی آنان از قید و بند سنت‌های قومی و مردسالارانه نیست؛ یعنی زن انسانی مستقل است و می‌تواند خود انتخابگر باشد. اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنها نبوده است و اسلام با مفهوم «زن» به عنوان شیء مخالفت کرده است. زن مساوی مرد است و مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند. حضرت امام درباره آزادی زنان می‌فرمایند: ما می‌خواهیم زنان را از فسادی که آنان را تهدید می‌کند، آزاد سازیم. (همان، ج ۳: ۳۷۰)

عدالت

یکی از مفاهیم مهمی است که امام خمینی (ره) همواره بر آن تأکید داشتند و محوری‌ترین جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی از دیدگاه ایشان محسوب می‌شود. دلایل اهمیت جایگاه مفهوم «عدالت» در اندیشه امام خمینی (ره) عبارتند از:

الف. برقراری عدالت؛ هدف ارسال پیامبران:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بیّنات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان بر ایشان دادیم و فرستادیم... که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد. (همان، ج ۱۵: ۲۱۳)

پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد؛ مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی... و حکومت علی بن ابی طالب نیز با همان انگیزه به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر، از واضحات تاریخ است. (همان، ج ۲۱: ۴۰۶)

ب. عدالت؛ از امور فطری و عقلانی:

از دیدگاه امام خمینی (ره) عدالت و قسط ریشه در وجود و ذات انسان دارد؛ یعنی انسان طبعاً موجودی است که تمایل و گرایش فطری به حرکت به سوی عدالت و برقراری قسط در جامعه دارد و از بی عدالتی و تبعیض رویگردان است.

از فطرت‌های الهیه، که در ذات بشر مصحح است، حبّ عدل و خصم در مقابل آن است و بغض ظلم و عدم انقیاد در پیش آن است. (همان، ج ۱۷: ۲۷۱)

ج. عدالت؛ صفتی الهی است و ابتدای احکام اسلام بر آن:

امام راحل عدالت را به عنوان برجسته‌ترین صفت پروردگار و شامل جمیع کمالات معرفی نموده و آن را ویژگی تمام افعال الهی ذکر کردند. (شرح جنود عقل و جهل، ۱۴۷)

به گفته ایشان، اسم اعظم الهی با دو اسم «حاکم» و «عادل» تجلی می‌نماید (مصباح الهدایه الی الحلاقة و الولاية ۱۳۶۰ ص ۸۴) در این جنبه، امام خمینی قدس سره عالم را تجلی حق تعالی دانسته و برقراری سنت‌های آن را بر اساس موازین و اصول عدل عنوان نموده‌اند. اسلام، خدایش عادل است، پیامبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم بهتر است که عادل باشد، فقیهش هم بهتر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد - از ذات مقدّس کبریایی گرفته تا آخر... زمامدار هم باید عادل باشد، ولات هم باید عادل باشند. (همان، ج ۳: ۳۰۴)

د. عدالت؛ ارزشی برتر و تغییرناپذیر و شاخص حکومت اسلامی:

امام خمینی (ره) برقراری و تحقق عدالت در جامعه را در ردیف اصول و پایه‌هایی همچون «توحید» قرار داده‌اند:

ارزش‌ها در عالم دو قسم است: يك قسم ارزش‌های معنوی، از قبیل ارزش توحید و جهاد

مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال اینها که قابل تغییر نیست؛ و قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان فرق می‌کند. (همان، ج ۱۱: ۱)

و. اجرای عدالت؛ تکلیفی انسانی و دینی:

امام خمینی (ره) تحقق عدالت و قسط را چه در نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری يك تکلیف فطری و الهی انسانی می‌داند که هر فردی از افراد جامعه، نسبت به انجام آن مسئول است.

از نظر امام این مسئولیت خاص، مهم، ولی در مورد آگاهان جامعه شدیدتر و بیشتر است. آنها وظیفه و تکلیف سنگین‌تری را نسبت به سایر افراد جامعه بر دوش دارند: ائمه و فقهای عادل موظفند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. (همان)

عدم اختلاف و برادری

امام راحل در نامه مورخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۷ خطاب به محمدعلی انصاری، اختلاف را به اختلاف «روا» و «ناروا» تقسیم کردند و در مواردی اختلاف را ضروری و در مواردی ناروا شمرند: آن‌گاه از پنج اصل یاد کردند و اختلاف در غیر آنها را طبیعی شمرند. ایشان معتقد بودند که اختلاف در غیر این موارد، تهدیدی متوجه انقلاب نمی‌کند. آن اصول و مبانی عبارتند از:

۱. اسلام؛ ۲. قرآن؛ ۳. انقلاب اسلامی؛ ۴. استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی؛ ۵. رفاه عمومی و برچیدن ستم اقتصادی.

بیداری مردم

اگر اقدامات رهبر، منطقی، قانونمند، حکیمانه هم باشد و به عبارتی در اوج بیداری باشد؛ ولی ملت، مؤلفه‌هایی چون بیداری، هشیاری، ترسی را نداشته باشند، آن نهضت دچار مشکل خواهد شد؛ بنابراین لازمه قیام و مقاومت، بیداری و استمرار آن در همه مردم و در طول زندگی خواهد بود. این مؤلفه دفاعی یکی از آن موارد بسیار مهمی است که دشمنان خواستند که مغفول

باشد: «در طول تاریخ، در این سده‌های آخر کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند». (همان، ج ۱۳: ۵۳۱).

بیداری جامعه باعث می‌شود تا دست دشمن را بخوانند و از نقشه‌های تهاجمی و ظالمانه آن‌ها با خبر شوند:

«اگر ما بیدار بشویم و نگذاریم این‌هایی که در خارج هستند، آن برنامه‌هایی که دیکته شده است و به آن‌ها داده [شده] است پیاده بشود و اگر... در مقابل آن‌ها ایستادگی کنید، حق پیروز می‌شود». (همان: ۱۶۴).

الگو داشتن

امام خمینی در مناسبت‌های مختلف، مردم را به این مهم توجه می‌دهند که باید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام که در طول مدتشان، یا با کفار در جنگ بودند و یا در حبس بودند، سرمشق بگیرند و به آن‌ها اقتدا کنند. بنابراین اگر قیام با سختی و مشقت‌هایی همراه شد، نهراسیم و همانند ائمه علیهم السلام عمل کنیم؛ زیرا ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز خواهد شد؛ و با توجه به این مطلب فرمودند: مردم انقلاب کردند، باید پای زحماتش هم بنشینند. مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام را و ابراهیم را در نظر بگیرند، ببینند که با آن‌ها چه مخالفت‌ها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانی، باید دنباله روی آن‌ها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و پیشروی کرد (همان، ج ۱۹: ۵۶).

وحدت حوزه و دانشگاه

از مقولاتی که به آمیختگی دین و سیاست ارتباط دارد مقوله وحدت حوزه و دانشگاه است که امام راحل بارها بر وحدت این دو قشر تأکید می‌کردند و نقش عوامل گوناگون را در جدایی این دو قشر دخیل می‌دانستند. ایشان در بخشی از سخنانشان می‌فرمودند:

از نقشه‌های شیطانی قدرت‌های بزرگ استعمار و استثمارگر، که سال‌های طولانی در دست

اجراست و در کشور ایران در زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر، که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع‌الاسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرت‌ها، نتیجه چشم‌گیری گرفته شد. (همان، ج ۲۱: ۴۱۳)

علما و دانشمندان این دو مرکز لازم است کوشش کنند در پیوند دادن این دو قشر عزیز. نه دانشگاهی بدون روحانی می‌تواند به استقلال برسد و نه روحانی بدون دانشگاهی (همان، ج ۱۰: ۸۲-۸۳)

امام خمینی (ره) از یک سو، در مقابل قشر دانشگاهی شعار «اسلام منهای روحانی» را زیر سؤال بردند و فرمودند:

اسلام منهای روحانی به مثابه طب منهای طبیب، در واقع نفی اسلام است و به نسل جوان توصیه می‌کنم که خود را در هیچ شرایطی بی‌نیاز از هدایت و همکاری روحانیون ندانند (همان، ج ۷: ۳۷۶)

ولایت مطلقه فقیه

امام خمینی (ره) از آغاز اندیشه سیاسی تا پایان عمر شریفشان، به ولایت مطلقه فقیه اعتقاد داشتند و اگرچه «ولایت فقیه» دیدگاه ابتکاری و انحصاری معظم‌له به شمار نمی‌رود و فقها در تمام ادوار فقهی به آن توجه داشته‌اند، ولی امتیاز ایشان در طرح این مسئله، ابتنای حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه است.

حضرت امام خمینی (ره) تنها فقیهی به شمار می‌روند که علاوه بر بحث در این زمینه مثل سایر فقیهان، به تناسب مسائل گوناگون، ولایت فقیه را در تصدی امر حکومت با همان معنای جامع و شامل، برای اولین بار با روشنی و تأکید و تصریح، به تفصیل مورد بررسی و اثبات قرار دارند و - چنان‌که اشاره شد - مبحث «ولایت فقیه» را یک بار به صورت شفاهی طی ۱۳ جلسه در نجف اشرف تدریس نمودند و بار دیگر مبحث آن را در جلد دوم - از مجموعه پنج جلدی کتاب البیع با همان سبک نوشتند.

ایشان در ادامه، برای احراز امر حکومت در دوره غیبت، با توجه به اینکه شخص معینی

نصب نشده است، می‌فرمایند:

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟... یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود... آیا باید این طور باشد؟ یا اینکه حکومت لازم است؟ و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟ این خاصیت، که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند. (همان: ۳۹)

فقیه همان ولایتی را داراست که حضرت رسول اکرم در امر اراده جامعه داشت. اگر فرد لایقی که دارای این دو ویژگی (علم به قانون و عدالت) باشد بپا خاست و حکومت تشکیل داد، همان ولایتی را دارد که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در امر اداره جامعه داشت و بر همه مردم لازم است از او اطاعت کنند. این توهم، که اختیارات حکومتی حضرت رسول اکرم بیشتر از حضرت امیر بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیشتر از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم بیش از همه عالم است و بعد از ایشان، فضایل حضرت امیر بیشتر است؛ لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. (همان: ۴۰)

امام راحل با تأکید بر این مطلب که حکومت اسلامی عبارت است از: حاکمیت قوانین الهی بر مردم، دایره قوانین اسلام را اعم از احکام حکومتی و احکام فرعی شمرده، می‌نویسند: شبهه‌ای که برخی در باب «ولایت فقیه» طرح می‌کنند این است که ولایت فقیه مستلزم استبداد است و یا اینکه جامعه را به استبداد دینی می‌کشاند. این شبهه نیز مورد توجه امام راحل قرار گرفته و فرموده‌اند:

این حرف‌هایی که می‌زنند که خیر، اگر چنانچه ولایت فقیه درست بشود دیکتاتوری می‌شود، از باب این است که اینها ولایت فقیه را نمی‌فهمند چیست... ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد، نه اینکه می‌خواهد دیکتاتوری بکند... اگر رئیس جمهوری باید با تصویب فقیه باشد، با تصویب یک نفری که اسلام را بداند چیست، درد برای اسلام داشته باشد،

اگر درست بشود نمی‌گذارد این رئیس‌جمهور يك كار خطا بکنند؛ و اینها این را نمی‌خواهند (همان، ج ۱۰، ص ۳۵۲).

ایشان در تبیین جایگاه دینی و مشروعیت الهی حکومت و ولایت فقیه می‌فرمایند:

قانون‌گرایی

امام خمینی (ره) بر همه ارکان قانونمندی و قانون‌گرایی تأکید داشتند:

الف. اهتمام به اجرای قانون:

در اسلام، آن چیزی که حکومت می‌کند يك چیز است و آن قانون الهی [است]. [پیغمبر اکرم هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند، حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند، شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص، ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام قانون است، همه تابع قانونند (همان، ج ۹: ۴۲۵)

ب. برابری همه در برابر قانون:

فرقی بین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی بین گروه‌ها نیست (همان، ج ۹: ۴۲۵). همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو بر خلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید؛ برای اینکه میزان اکثریت است (همان، ج ۱۴: ۳۷۷).

ج. احترام به نهادهای قانونگذار:

من تکرار می‌کنم: مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن را پذیرفت، هیچ‌کس حق ندارد يك کلمه راجع به این بگوید (همان، ج ۱۴: ۳۷۰). من با نهاد شورای نگهبان صد درصد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد

چالش‌های اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

چالش‌های اجتماعی در اندیشه امام (ره) شامل:

چالش خودباختگی و عدم خودباوری

امام خمینی (ره) خودباختگی در مشرق زمین و بخصوص بین مسلمانان را معلول علل گوناگونی می‌دانستند که عبارتند از:

الف. تصور پیشرفت غرب در همه علوم به خاطر پیشرفت در علوم مادی:

کسی که منطق الشفاء و حکمت الاشراف و «حکمت متعالیه» صدرای شیرازی دارد، به منطق و حکمت اروپاییان، که باز در کلاس تهیه است، چه احتیاج دارد؟! اینها گمان کرده‌اند که اگر مملکتی در سیر طبیعی پیشرفت کرد، در سیر حکمت الهی نیز پیش قدم است و این از اشتباهات بزرگ ماست و [این را] یکی از تبه‌کاری‌های نویسندگان مشرق اسلامی باید دانست (کشف اسرار امام: ۳۴).

ب. تصور مصونیت اجنبی از خطا و اشتباه:

همین که نام يك مستشار آمریکایی روی کسی آمد، دیگر برای او، این زمام‌داران بیهوش و خودسر ما، خطا و اشتباه یا خیانت و دزدی قایل نمی‌شوند (همان: ۱۸۲).

ج. مرعوب شدن در مقابل پیشرفت‌های غرب:

وقتی کشورهای استعمارگر با پیشرفت علمی و صنعتی، یا به حساب استعمار و غارت ملل آسیا و آفریقا، ثروت و تجملاتی فراهم آوردند، اینها خود را باختند، فکر کردند راه پیشرفت صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند. (ولایت فقیه: ۱۴-۱۳)

د. تصور ترقی به خاطر گرایش به غرب و شرق:

در سال‌های طولانی، تبلیغات دامنه‌دار دولت‌های شرق و غرب موجب این شد که ملت‌های مسلمان از آنها یاری بخواهند و گمان کنند که ترقیات این کشورهای ضعیف، در گرایش به یکی از این دو ابرقدرت است، لکن به هر طرف که تمایل پیدا کردند، بعد از مدتی فهمیدند که آنها جز اسیر کردن اینها و بردن خزائن و غارت کردن مخازن آنها کار دیگری نمی‌کنند (همان ج

ه. القاءات غرب؛ موجب غرب زدگی و خودباختگی:

امام خمینی (ره) معتقد بودند: راه مقابله با خودباختگی و ایجاد خودباوری این است که به خود بیاییم و از غرب نهراسیم. ایشان می فرمودند:

نقطه اول این است که خود انسان متحوّل بشود، خود انسان از غرب زدگی بیرون بیاید. اگر فرهنگ ما متحوّل شود فرهنگ انگلی متوقف می گردد (همان ج ۶: ۳۹۵).

چالش اخلاق اجتماعی

زمینه های مسئله اخلاق اجتماعی مربوط به عوامل و شرایط مختلف موجود در جامعه، تغییرات ناهماهنگ و ترکیب نامتوازن ارکان و مؤلفه های درونی و بیرونی جامعه می باشد. وجود خشونت های خانوادگی؛ رفتار ناهنجار افراد و گروه های اجتماعی زمینه را برای گسترش مسائل اخلاقی در جامعه تقویت می کند.

بسترهای چالش اجتماعی

بی شک عوامل مختلفی در تحقق این مسائل در اجتماع نقش دارد. ولی در این میان برخی عوامل، نقش بارزتری در رابطه با مشکل دارند که در اینجا به برخی از این عوامل، اشاره می شود:

الف) عوامل اقتصادی؛ نقش اساسی در شکل گیری مسائل اخلاقی اجتماعی دارد؛ این

عوامل بستر را برای شکل گیری مسائل اجتماعی هموار می گرداند.

ب) عوامل اجتماعی؛ بعنوان مؤثرترین عناصر در بروز پیدایش مسئله و آسیب های

اجتماعی نقش اساسی دارند. فرد، خانواده و جامعه مثلی را تشکیل می دهند که

اختلالات رفتاری در هر یک از آن ها سبب ایجاد آسیب ها و پیدایش مسئله بسیاری در

جامعه می گردد.

ج) عوامل فرهنگی؛ از پایدارترین مسبب های شکل گیری مسائل اجتماعی می باشند.

اگر بخش های مختلف فرهنگی نتوانند در کنار سایر جنبه های زندگی اجتماعی رشد

کنند، شکاف فرهنگی در جامعه به وجود خواهد آمد. در این صورت توازن فرهنگی در

اجتماع به هم خورده و به دنبال آن، گسست فرهنگی در جامعه شکل گرفته، افکار و

اهداف افراد در جامعه به هم می ریزد.

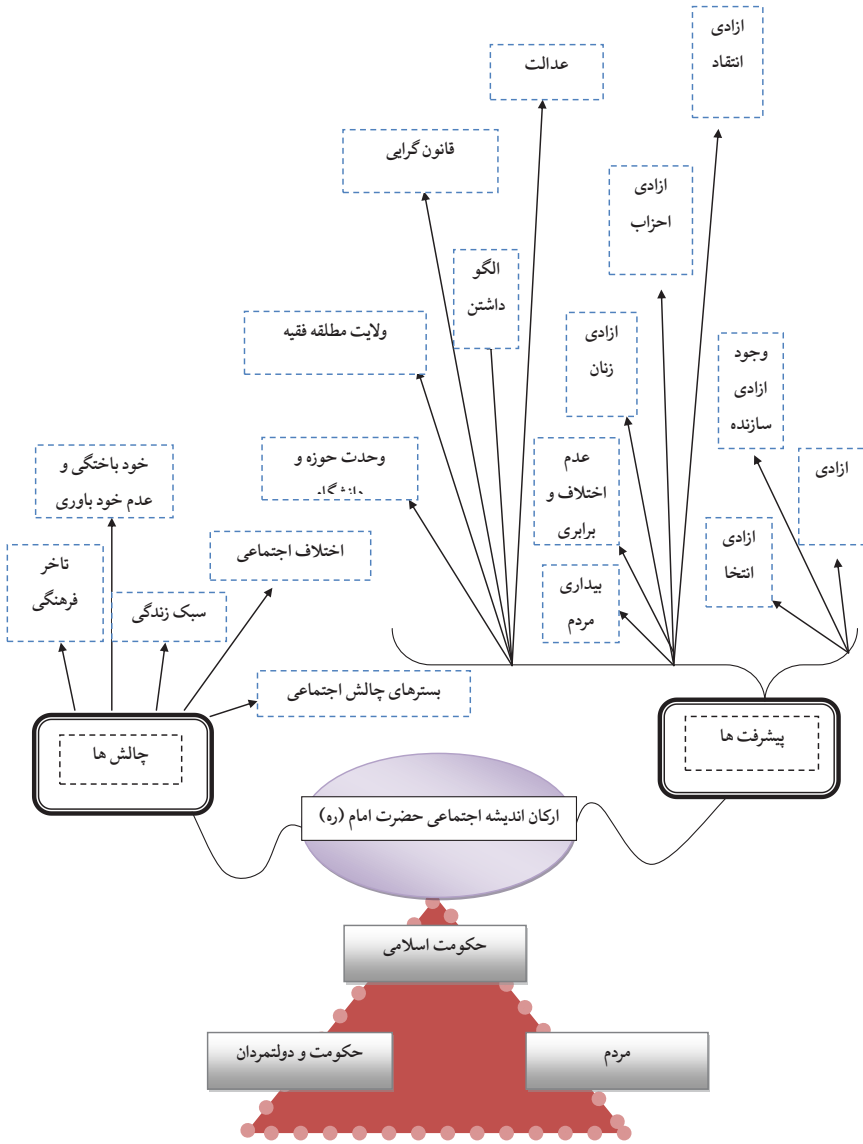
د) عوامل فناوری: تمایز اجزای مادی و غیر مادی یک فرهنگ از نظر آهنگ حرکت آنان یا همان تاخر فرهنگی، به عدم تعادل فرهنگی منجر خواهد شد. بعضی از عناصر فرهنگ (مادی یا غیر مادی) از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شود، هرکدام بصورت موازی و بدون ارتباط با هم مسیر جداگانه‌ای را طی می‌کنند. در این صورت ممکن است این عناصر بجای این که هم افزایی داشته باشند به موانعی جهت پیشرفت همدیگر تبدیل گردند.

چالش تاخر فرهنگی اجتماعی

در هر فرهنگ دو زمینه جدا از هم وجود دارد. یکی بخش مادی فرهنگ (کلیه دستاوردهای مادی یا فناوری هر جامعه) و دیگری بخش غیر مادی یا معنوی فرهنگ (موضوعاتی کیفی و غیر قابل مقایسه و اندازه گیری) مانند آثار ادبی، هنری، فکری، آداب و رسوم و... به طور کلی سرمایه معنوی یک جامعه جزء فرهنگ معنوی جامعه به شمار می‌رود.^۵ گسست فرهنگی معنوی از فناوری در هر جامعه‌ای تاخر فرهنگی نامیده می‌شود. فرهنگ معنوی ریشه دارتر، عمیق تر و گسترده تر است و نمی‌تواند با سرعت و شدت ورود فناوری جدید تغییر کند. بنا بر اصل «مقاومت فرهنگی متفاوت» پذیرفتن تغییر مقاومت در برابر آن در تمام اجزا و قسمت‌ها و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست.^۵

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق ارکان اندیشه اجتماعی امام خمینی (ره) عبارتند از حکومت اسلامی، مردم، حکومت و دولت مردان که پیشرفتهای اجتماعی بر اساس این ارکان عبارتند از: آزادی، وجود آزادی سازنده، آزادی انتخاب، آزادی انتقاد، آزادی احزاب، آزادی زنان، عدالت، عدم اختلاف و برادری، بیداری مردم، الگو داشتن، وحدت حوزه و دانشگاه، ولایت مطلقه فقیه و قانون گرایی است. در کنار این پیشرفت‌ها چالش‌های خود باختگی و عدم خود باوری، اخلاق اجتماعی، بستر چالش‌های اجتماعی، چالش‌های تاخر فرهنگی اجتماعی و چالش سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته که در آخر مدل مفهومی مورد نظر ارائه گردید.



راهکارها و پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصله از تحقیق، راهکارهای زیر پیشنهاد میشود:

پیشنادهای پژوهشی

- تحقیق و پژوهش پیرامون ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره).
- انجام پژوهش درباره اندیشه‌های امام در بعد اجتماعی.
- افزایش ظرفیت‌های تحقیقاتی، آموزشی، علمی و فناوری در حوزه اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مراکز آموزشی (مراکزی چون دانشگاه، حوزه، مدارس)
- انجام پژوهش‌های در زمینه چگونگی صدور تاثیر گذار اندیشه امام در بین جوامع مختلف جهانی.

پیشنادهای راهبردی

- ایجاد مراکز مطالعاتی و مستندسازی بر پایه نظام اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره) جهت بازنگری متون محتوا و برنامه‌های آموزشی جهت آشنایی دانش آموزان و بکارگیری اندیشه امام.
- هماهنگی هر چه بیشتر تصمیم گیران در سطح کلان برنامه‌های آموزشی کشور برای ارائه یک طرح جامعه آموزشی و اجرای آن در تمامی سطوح تحصیلی مبتنی بر اندیشه اجتماعی امام (ره) جهت تربیت نسل جدید برای آماده سازی جامعه در شرایط دفاع و جهاد.
- حضور فعال و تاثیر گذار در شبکه‌های مجازی و حمایت از بخش‌های دولتی و غیر دولتی در زمینه تولید و عرضه اطلاعات و خدمات ضروری و مفید با تاکید بر ترویج فرهنگ و اندیشه اجتماعی امام (ره).
- ایجاد پایگاه اجتماعی از طریق شبکه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی جهت اشتراک دانش پاسخ به شبهات در ابعاد مختلف این اندیشه بدون مواجهه چهره به چهره به کمک ابزارهای مجازی و اتاق گفت و گو.

منابع:

۱. امام خمینی (بی تا). کشف اسرار بی جا، بی نا.
۲. امام خمینی (۱۳۷۶). رساله الاجتهاد و التقليد تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی (۱۳۶۰). مصباح الهدایه الی الحلافة و الولاية، ترجمه احمد فهري، تهران: پیام آزادی.
۴. امام خمینی (۱۳۸۰). چهل حدیث اربعین حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.
۵. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). جنگ و دفاع در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)، تبیان، دفتر بیست و چهارم، تهران: مؤسسه‌ی نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۷. امام خمینی، سید روح الله، موسوی (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. انصاری، حمید (۱۲۷۷). آئین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۶(۳)، صص ۱۴۷-۱۷۸.
۱۰. تبیان (۱۳۷۷). جوانان از دیدگاه امام خمینی (تبیان، دفتر شانزدهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله با همکاری دبیرخانه شورای عالی جوانان.
۱۱. توحیدی، علی اصغر (۱۳۷۸). قرائت امام خمینی از سیاست، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. خوب پور، محمد جواد و مکرمی پور، محمدباقر (۱۴۰۰). «بررسی نقش مولفه‌های مردم سالاری دینی انقلاب اسلامی در افزایش مشارکت سیاسی (شناسایی حقوق مردم و حاکمیت قانون)»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۲)، صص ۲۹-۵۰.
۱۳. سبحانی فر، علی (۱۴۰۰). «ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر

- گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، صص ۶۹-۸۹.
۱۴. شریعتی، علی (۱۳۵۷). امت و امامت، تهران: حسینیه ارشاد.
۱۵. عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۶). انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره امام خمینی، تهران: عروج موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۶. کاشف الغطاء، موسوی (۱۳۵۶). نامه‌ای از امام موسوی، بی‌جا.
۱۷. کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰). «نسبت سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، صص ۲۹-۵۲.
۱۸. فلاح‌نژاد، علی (۱۴۰۰). «گفتمان انقلاب اسلامی و طبقه متوسط»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، صص ۷-۲۴.
۱۹. مرادی‌جو، علی‌جان (۱۳۹۹). «تحولات و چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۳)، صص ۳۵-۶۹.
۲۰. مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۸). «مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره»، معرفت شماره ۱۳۸، خرداد.
۲۱. مهریزی، مهدی (۱۳۸۵). اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. نباتیان، محمد اسماعیل و بیرامی اوغول بیگ، میلاد (۱۴۰۰). «ارزیابی استقلال فرهنگی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، صص ۱۲۳-۱۴۲.